خبر

اوجب واجبات امروز، رعایت حریم انسان‌هاست

آیت‌الله بیات با بیان اینکه اوجب واجبات امروز، رعایت حریم‌ها و حقوق است، تاکید کرد: امروز دفاع و حمایت از حریم‌های انسان‌ها و ادیان الهی و اخلاق و عقلانیت از اهم فرایض دینی و عقلی است. آیت‌الله بیات‌زنجانی صبح روز شنبه در دیدار با تعدادی از طلاب و روحانیون که در دفتر ایشان حضور یافته بودند، اظهار داشت: با کمال تاسف عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم به جای اینکه عصر منطق، استدلال و برهان باشد، ظاهراً عصر فروپاشی اخلاق، ادب و مدنیت بشری است. با کمال تاسف جوامع بشری به سمت خشونت، تحریک عواطف و احساسات گرویده و به جای اینکه ادیان توحیدی و آسمانی و پیروان آنان به سوی همگرایی، مسالمت، گفت‌وگو و تحمل یکدیگر کشیده شوند، به سمت منازعه، شقاق، مجادله حذفی و برخوردهای غیراصولی و غیرمنطقی دعوت و سوق داده می‌شوند. وی افزود: انتظار این است که همه دینداران به صورت ید واحده در برابر کفر و الحاد و افکار ویرانگر و هجمه‌کننده به اصل دین و باورهای دینی صف‌آرایی کرده و از موضع هدایت، انذار و تبشیر، در فکر هدایت آحاد مردم باشند، ولی متاسفانه خود تیشه برداشته و بر ریشه توحید و دیانت و قرائت دین و دینداری می‌زنند.

ادامه از صفحه اول

۳۰ سال بعد از آغاز جنگ تحمیلی، سوالات بی‌پاسخ

یک‌مرتبه با صدایی شکسته به من گفت استاد هزار بار با خودم فکر کرده‌ام، او البته راهش را انتخاب کرده بود و من هم به او و مرامش افتخار می‌کنم. و بعد دانشجویم ساکت شد و من بی‌اختیار گفتم ولی... و ای کاش لال شده بودم و هرگز نه آن پرسش را مطرح می‌کردم و نه آن ولی را می‌گفتم. بعد در حالی که آن جوان بیست و چندساله یک مرتبه مثل انار ترکید، گفت «ولی من چی؟» دیگران را نمی‌دانم ولی در مورد خود من، این دست ملاحظات حلقومم را می‌گیرد و نمی‌گذارد خیلی در مورد جنگ کنکاش کنم

اما به هر حال از این واقعیت هم گریزی نیست که اسطوره و قداست جنگ با پنهان کردن واقعیات و عدم‌پاسخگویی به پرسش‌ها برآمده از نحوه اداره، مدیریت و سرانجام پایان آن، نه تنها بر اسطوره و قداست آن نمی‌افزاید که برعکس آن میزان قداست به‌وجودآمده را نیز به تدریج خورده و همچون موریانه می‌جود. در حالی که پرداختن به واقعیت‌ها، پاسخ دادن به ابهام‌ها و پرسش‌ها نه تنها تعارضی با اسطوره و قداست جنگ (آن‌گونه که بسیاری از مسوولان تصور می‌کنند) پیدا نمی‌کند بلکه برخورد صادقانه با عملکردمان در جنگ، پذیرش خبط‌ها، خطاها، ضعف‌ها و اشتباهات‌مان و در یک کلام بازگو کردن صادقانه و صمیمانه روایت جنگ آن‌گونه که در عمل اتفاق افتاد، نه آن‌گونه که ما مایل هستیم دیگران تصور کنند که اتفاق افتاد، اتفاقاً بر همان جنبه‌های تقدس و اسطوره بودن جنگ می‌افزاید.

واقعیت سخنی که راویان جنگ کمتر خواسته‌اند با آن مواجه شوند آن است که اگر ما واقعاً آن‌گونه که آنها جنگ را به روایت کشیده‌اند کاملاً در جنگ پیروز شده بودیم، چرا امام در جریان پذیرش قطعنامه گفتند که «جام زهر را نوشیدم و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کردم»؟ به علاوه مناقشه فرمانده اصلی نظامی جنگ، سردار محسن رضایی با جانشین فرمانده کل قوا و کسی که امام مسوولیت جنگ را به وی سپرده بود یعنی آقای هاشمی‌رفسنجانی، اقدامات مهمی را به وجود آورده است. روایت آن دو از نحوه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ متفاوت است. محسن رضایی تلویحاً آقای هاشمی را متهم می‌کند که از مفاد آخرین نامه وی به امام پیرامون کمبودهایش و اینکه اگر آن کمبودها تامین نشود وی قادر به ادامه جنگ نخواهد بود، سوءاستفاده کرده است و مقصود رضایی از آن نامه خطاب به امام این نبوده که نیروهای تحت امرش دیگر قادر به ادامه جنگ نیستند.

روایت آقای هاشمی آن است که ماشین جنگ مدت‌ها می‌شد که سیر نزولی را آغاز کرده بود و ایران چاره‌ای الا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نداشت. البته در کنار آقای هاشمی، بسیاری از مسوولان و فرماندهان دیگر سپاه و ارتش هم ظرف این ۲۲ سال سکوت کردند و تا به امروز حاضر نشدند بگویند که چه شد و چرا و چگونه آقای هاشمی به این جمع‌بندی رسید که باید جنگ را تمام کند.

بنابراین اگر قرار است به واسطه خاتمه جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب امام و «نوشیدن جام زهر» به دنبال متهم بگردیم، نیازی نیست فراتر از هاشمی‌رفسنجانی برویم و اگر بالعکس، قرار است برای پایان بخشیدن به جنگ به دنبال قهرمان بگردیم باز هم نیازی نیست فراتر از هاشمی برویم. سکوت آقای هاشمی در قبال اسباب و علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اینکه چه شد و چرا ایران قطعنامه را پذیرفت و اساساً پرسش‌های اساسی و بنیادی‌تر در خصوص نحوه ادامه جنگ از بعد از فتح خرمشهر تا تیر ۶۷ نکات و مسائل اساسی هستند که به هر حال و بالاخره روزی مورد تجزیه و تحلیل و بازنگری قرار خواهند گرفت. روزی سرانجام آقای هاشمی در خصوص جنگ صحبت خواهند کرد، روزی بالاخره افسران و فرماندهان ارشد ارتش پیرامون جنگ صحبت خواهند کرد، روزی بالاخره فرماندهان سپاه در مورد جنگ سخن خواهند گفت. و هیچ کدام اینها سر سوزنی از اعتبار پایمردی‌ها، ایثارها، حماسه‌ها، دلاوری‌ها و شهامت‌های «بچه‌های» جبهه و جنگ نخواهد کاست. اما هرچه کردند از روی باور، از روی عشق، از روی اخلاق و از همه بالاتر از روی احساس دین به اسلام و انقلاب و میهن اسلامی‌شان بود.

رامین مهمانپرست:

عدم بازگشت دیپلمات‌ها سیاسی نیست

گروه سیاسی: پس از آنکه به طور ضمنی در مجلس و توسط متکی وزیر امور خارجه ایران، خبر عدم بازگشت دو دیپلمات ایرانی در اروپا تایید شد دیروز رامین مهمانپرست که با ظاهری نسبتاً جدید در جلسه پرسش و پاسخ با خبرنگاران خود را به ساختمان شماره ۹ رسانده بود، این خبر را به طور رسمی تایید کرد و گفت عدم بازگشت این دو دیپلمات به تهران یک تخلف اداری است و موضوع سیاسی نیست. سخنگوی وزارت امور خارجه در مورد پناهندگی دو دیپلمات ایرانی گفت: «این دو کارمند وزارت خارجه در فنلاند و بلژیک پس از پایان ماموریت‌شان ادعا کرده‌اند که قصد بازگشت به کشور را ندارند. آقای علیزاده در اسفند ۸۸ ماموریت سه‌ساله‌اش به پایان می‌رسید. پس از آن با توجه به اینکه جایگزین وی اعزام نشده بود تا ۲۹ مرداد ماموریتش تمدید شد و پس از پایان مدت ماموریت و حتی مدتی که تمدید شده بود، اعلام کرد به دلیل مشکلات امتحانات بچه‌های محصلش می‌خواهد چند روزی بیشتر بماند. بعد این بحث مطرح شد که وی قصد برگشت به ایران را ندارد.» مهمانپرست در مورد دیگر دیپلمات بازنگشته به تهران نیز گفت: آقای فرهنگیان نیز ۳۰ شهریور ۸۹ ماموریت سه‌ساله‌اش اتمام یافت. روزهای آخری بود که برای آماده کردن خود برای بازگشت به کشور در سفارت حضور داشت. بنابراین ماموریت این دو کارمند وزارت خارجه به اتمام رسیده بود. اینکه ادعا می‌شود پیش از پایان ماموریت و در حالی که مشغول کار بوده‌اند، استعفا داده‌اند، مساله درستی نیست.» مهمانپرست این شایعه را که این افراد با دلایل و انگیزه سیاسی خواستار پناهندگی از دو کشور اروپایی شده‌اند غیرواقعی دانست و در توضیح این مساله گفت: «اگر فردی قصد و اراده سیاسی داشته باشد، پس از گذشت ۱۵ ماه و گرفتن حق‌ماموریت‌ها و پایان ماموریت و حتی مدت تمدید شده اقدام به کاری نمی‌کند. ما این اقدام را تخلفی اداری محسوب می‌کنیم و همه کارمندان وزارت خارجه پس از پایان ماموریت، طبق قانون باید به کشور مراجعت کنند و بعد هر تصمیمی که می‌خواهند در مورد آینده‌شان بگیرند، با تعیین تکلیف رابطه اداری‌شان با وزارت خارجه می‌توانند آن را دنبال کنند. چون به کشور مراجعت نکرده‌اند تخلف اداری مرتکب شده‌اند.» سخنگوی وزارت امور خارجه با تاکید بر اینکه این افراد منافع ملی را قربانی منافع شخصی و خانوادگی خود کرده‌اند، عنوان کرد: «کسی در وزارت امور خارجه انگیزه سیاسی آنها را باور نمی‌کند و معتقدم در خارج از وزارت خارجه نیز این باور بسیار دشوار است که کسی ادعا کند انگیزه سیاسی داشته است و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در این اقدام بیشتر نوعی ترجیح منافع شخصی و خانوادگی بر منافع ملی، قابل توجه است. البته ذکر این نکته لازم است.» سپس مهمانپرست در مقام دفاع از عملکرد وزارت خارجه در زمینه انتخاب دیپلمات‌ها در ۳۰ سال انقلاب پرداخت و گفت: «در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب تاکنون حدوداً ۲۰ هزار مامور به خارج از کشور اعزام کرده‌ایم که این تعداد به طور متوسط سه سال در خارج از کشور حضور داشته‌اند. در میان این ۲۰ هزار ماموری که وزارت امور خارجه تاکنون داشته است، کسانی که تاکنون به این تخلف اداری مرتکب شده‌اند، حدود ۲۰ نفر هستند. این موضوع نشان‌دهنده این است که بدنه وزارت امور خارجه بدنه‌ای ارزشی و از کارمندانی است که برای وطن‌شان و اتباع ایرانی همه‌گونه فداکاری می‌کنند و پای اصول و آرمان‌های نظام محکم ایستاده‌اند و این‌گونه تخلفات را زشت می‌شمارند. این تعداد بسیار اندک که در همه کشورها ممکن است اتفاق بیفتد، هیچ تاثیری در رویکرد و عملکرد وزارت امور خارجه و کارمندان آن و دیپلمات‌ها نخواهد داشت.»

پیش از این نیز البته مقامات مختلف ایران اصل قضیه پناهنده شدن دو دیپلمات ایرانی در اروپا را تایید کرده بودند. متکی چندی پیش در نشست خبری با نعلبندیان وزیر امور خارجه ارمنستان در پاسخ به سوال یک خبرنگار در این زمینه گفت: «دیپلمات‌ها و ماموران اداری ایران در ماموریت‌های خارج از کشور برای مدت معینی اعزام می‌شوند و قاعدتاً پس از پایان مدت ماموریت باید به کشور برگردند. اگر کسی مشکلاتی داشته باشد در پایان ماموریت، مامور اداری و کارشناس کنسولی ما آنها را بررسی و مسائل مطرح‌شده را پیگیری می‌کند.» در مجلس برخی از نمایندگان مجلس نیز با تقبیح این کار تلویحاً این خبر را تایید کرده بودند. حسن سبحانی‌نیا پیشتر در این رابطه گفته بود: «هنوز گزارش موثقی از دستگاه سیاست خارجی کشور دریافت نکرده‌ایم. در صورتی که اخبار فوق صحت داشته باشد، لازم است تا دقت و مراقبت‌های بیشتری در به کارگیری کارکنان و نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور مبذول داشته شود.» کرمی دیگر عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز در واکنش به خبر پناهنده شدن دیپلمات‌های ایرانی به کشورهای دیگر، دلیل درخواست پناهندگی آنها را مشکلات روحی، شخصی و نفسانی اعلام کرد.» با تایید این خبر تعداد دیپلمات‌های پناهنده شده ایران در یک سال اخیر با هر انگیزه و دلیلی به سه نفر رسید. اما مساله دیگری نیز هست که ماه‌هاست باعث می‌شود رامین مهمانپرست در هر جلسه نسبت به آن موضع بگیرد و هر بار بر موضع وزارت خارجه در این زمینه تاکید کند؛ موضوع زنی که به جرم قتل همسر و خیانت تحت محاکمه است و موضوع پرونده وی به شدت مورد توجه رسانه‌های خارجی و حتی برخی از مقامات کشورهای خارجی قرار گرفته است. وی در مورد حکم پرونده خانم آشتیانی اضافه کرد: هیچ حکم قطعی در مورد این پرونده تاکنون صادر نشده است. هر وقت حکم قطعی صادر شد، می‌توان راجع به آن اظهارنظر کرد. مهمانپرست همچنین با اشاره به اقدامات وکیل این پرونده گفت: اینکه وکیل وی سعی کرد از این مساله یک موضوع سیاسی بسازد و برای پیگیری اهداف و منافع شخصی خود این موضوع را به موضوع سنگسار تبدیل و تلاش کرد، بیشتر حاکی از این بود که او منافع شخصی‌اش را دنبال می‌کرد و ارتباط سازماندهی‌شده‌ای با برخی رسانه‌ها داشت تا فشاری بر ملت ما وارد کند. وی ادامه داد: اگر شبیه این پرونده (آشتیانی) در کشورهای دیگر و غربی مورد بررسی قرار گیرد، می‌تواند موضوع بسیار خوبی باشد تا ببینیم بحث حقوق بشر چه معنا و مفهومی در میان کشورهای غربی دارد. آیا دفاع از حقوق بشر معنایش دفاع از جرائم، قتل و خیانت است یا خیر. کشورهای غربی باید این را پاسخ دهند. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در ادامه در پاسخ به پرسش خبرنگار دیگری در مورد سرنوشت یکی از اتباع امریکا که به‌رغم عقب‌ماندگی ذهنی، محکوم به اعدام شده است و رویکرد دولت امریکا در این رابطه گفت: این نکته قابل توجهی است. رسانه‌ها باید به دنبال کشورهایی بروند که مدعی حقوق بشر هستند و پرونده‌هایی که به هیچ وجه قابل دفاع نیست و توجیه ندارد، به عنوان موضوعاتی علیه ایران و وضعیت حقوق بشر مطرح می‌کنند. رسانه‌های ما باید فعال باشند و سراغ این کشورها بروند و مشخص کنند که رفتار آنها با مردم کشور خودشان و سایر اتباعی که از کشورهای دیگر در آنجا زندگی می‌کنند، به چه شکلی است. مهمانپرست با اشاره به اینکه خانم ترزا لوییس در ویرجینیا به خاطر ارتکاب جرمی شبیه خانم محمدی‌آشتیانی قرار است اعدام شود در صورتی که وی عقب‌مانده ذهنی است، گفت: رویکرد کشورهای غربی برای طرح مکرر موضوعاتی شبیه خانم آشتیانی در رسانه‌هایشان رویکردی سیاسی است و هدف آن فشار آوردن به ملت ماست والا دفاع از فردی که مرتکب قتل و خیانت شده است، به هیچ‌وجه توجیهی ندارد. اگر واقعاً کشورهای غربی معتقدند همه کسانی که مرتکب قتل شده‌اند، باید آزاد شوند و هرکسی که دچار خیانت می‌شود، باید به آن احترام کرد چرا این کار را از کشورهای خود آغاز نمی‌کنند؟ همه قاتلان و خائنان را از زندان‌ها آزاد کنند تا جامعه بسیار مطلوب برای شهروندان خود ایجاد کنند. این موضوعات تا آن اندازه در جلسه دیروز رامین مهمانپرست داغ شد که موضوعات مهم دیگری همچون قصد میانجیگری عمان بین تهران و واشنگتن، گزارش اخیر آمانو درباره برنامه هسته‌ای ایران و اظهارات رئیس‌جمهوری ایران پیرامون آمادگی تهران برای مذاکرات بدون پیش‌شرط با ۱+۵ تحت‌الشعاع این مسائل قرار گرفت. رامین مهمانپرست در مورد اظهارات احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه ایران حاضر است بدون پیش‌شرط با کشورهای ۱+۵ مذاکره کند، گفت: «آقای رئیس‌جمهور نظرات صریحی در این زمینه اعلام کردند. اصل آمادگی برای مذاکره وجود دارد. امیدواریم رویکرد صحیحی برای انجام مذاکرات مبتنی بر به رسمیت شناخته شدن حقوق هسته‌ای ایران در زمینه فعالیت‌های صلح‌آمیز در آینده نزدیک داشته باشیم.» در همین چارچوب مهمانپرست تاکید کرد: «اطلاعات دقیقی در مورد زمان انجام این مذاکرات دریافت نکرده‌ایم. این موضوع بستگی به طرفین دارد که در مورد زمان و مکان آن توافق کنند. تاکنون زمان دقیقی برای این موضوع مشخص نشده است.»

مهمانپرست در مورد اظهارات وزیر امور خارجه عمان پیرامون انگیزه این کشور در مورد میانجیگری بین تهران و واشنگتن نیز گفت: کشورهای مختلفی خواهان ثبات و امنیت در منطقه هستند از جمله کشور عمان که روابط بسیار خوب و نزدیکی با این کشور داریم. معتقدیم همه کشورهای منطقه می‌توانند با رویکرد نزدیک و مشارکت همدیگر مشکلات منطقه را برطرف کنند و امنیت منطقه و ثبات آن را دنبال کنند. این کار نیازی به حضور نیروهای خارجی نخواهد داشت. وی ادامه داد: اینکه اعلام شده کشورهای مختلفی آمادگی دارند راجع به رابطه ایران و امریکا مساله را برطرف کنند باید گفت موضوع رابطه ایران و امریکا بزرگ‌تر از آن است که نیاز به واسطه یا میانجیگری داشته باشد زیرا ریشه‌های مشکلات ایران و امریکا باید به طور اساسی بررسی شود و رویکرد دولت و مقامات امریکا باید نسبت به اقداماتی که علیه منافع ملی ما انجام داده‌اند مشخص شود. تا زمانی که مقامات امریکایی نسبت به اقدامات گذشته خود ابراز پشیمانی نکنند و از ملت ما عذرخواهی نکنند و ثابت نکنند که رویکرد جدیدی را دنبال خواهند کرد تا نسبت به رفتار آنها اعتماد ازدست‌رفته بازگردد، همه اقدامات خیرخواهانه و دوستانه کشورهای دیگر باید متوجه مقامات امریکایی باشد. اگر بنا بر تغییر رویکرد باشد این مقامات امریکایی هستند که باید در رویکرد خود تغییر جدی ایجاد کنند و شاید مخاطب جدی این کشورها بیشتر امریکا باشد. مهمانپرست همچنین در مورد گزارش اخیر یوکیو آمانو نیز گفت: متاسفانه برخوردها در مورد فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشور ما خارج از محدوده قانونی وظایف آژانس صورت می‌گیرد و بیشتر تحت تاثیر فضاهای سیاسی و فشارهای چند کشور خاص دنبال می‌شود. ما این کار را تخطی از وظایف آژانس می‌دانیم که این رویکرد ممکن است اعتبار و حیثیت آژانس را در آینده کاملاً زیر سوال ببرد. وی ادامه داد: اینکه متن گزارش آقای آمانو راجع به فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشور ما در مواردی شبیه متن مربوط به قطعنامه‌های غیرقانونی شورای امنیت می‌شود، نکاتی است که در قبال آنها انتظار بیشتری از آژانس و دبیرکل می‌رود تا نسبت به مسائل صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها دقت بیشتری داشته باشند و اطلاعات مربوط به کشورها را طبق اساسنامه آژانس که محرمانه تلقی می‌شود نباید منتشر کنند. ما اعتراض جدی‌مان را به دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منعکس کرده‌ایم و معتقدیم افکار عمومی راجع به این‌گونه گزارش‌ها قضاوت خواهد کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان گفت: باید بسیار مراقبت کنند تا اعتبار آژانس را از بین نبرند.

توصیه احمدی‌نژاد به اوباما

نام کسانی را که مانع تراشی می‌کنند افشا کنید

گروه سیاسی: محمود احمدی‌نژاد طی جلسه‌ای با برخی از سران مسلمان امریکا دیدار کرد. وی در این جلسه به موضوعات مختلفی اشاره کرد که یکی از این مسائل مربوط می‌شود به توصیه وی به باراک حسین اوباما رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا. رئیس‌جمهوری ایران به همتای امریکایی خود توصیه کرد نام کسانی را که به وی فشار می‌آورند تا برنامه‌های خود را پیاده نکند، افشا کند.

احمدی‌نژاد در بخشی از این جلسه گفت: «در این جلسه یکی از دوستان گفت، ما با اوباما صحبت کنیم. ما از گفت‌وگو هراس و نگرانی نداریم. ما از اول گفتیم آماده هستیم و استقبال کردیم. وقتی ایشان کاندیدا شدند خوشحال شدیم و گفتیم تغییرات در راه است و سرمایه‌داری که ریشه مشکلات است تغییر می‌کند. باور داریم آقای اوباما می‌توانست کارهای بزرگ انجام دهد اما سیطره صهیونیست‌ها بر ارکان امریکا اجازه این موضوع را نمی‌دهد.»

احمدی‌نژاد ادامه داد: «بعد از دستگیری تروریست شرق ایران نامه‌ای به اوباما نوشتم و اعترافات این شرور را ضمیمه کردم چراکه وی در اعترافات خود گفته بود ماموران امریکایی در افغانستان از وی برای انجام اقدامات تروریستی حمایت کرده‌اند و گفتیم که چرا باید این اقدام صورت بگیرد. برخی از دوستان وی می‌گویند اوباما تحت فشار است و نمی‌تواند برنامه‌های خود را پیاده کند، خب این فشارها ممکن است برای هر کسی پیش بیاید ولی این انتظار وجود دارد که آقای اوباما بیاید و بگوید چه کسی و کسانی به وی فشار می‌آورند. بگوید فلان حزب نمی‌گذارد من کار کنم و عاملان این فشارها را بگوید. من بعد از پیروزی اوباما برای وی پیام تبریک فرستادم در حالی که فشارهای زیادی وارد شد و گفتند چرا این کار را انجام داده‌ام.»

اظهارات احمدی‌نژاد درباره گفت‌وگو با اوباما در شرایطی منتشر شد که امریکا نیز با بیان اینکه «در» بهبودی روابط امریکا با ایران باز است اما باز یک «اگر» آورد.

خبرگزاری رویترز دیروز به نقل از کاخ سفید نوشت: «رئیس‌جمهوری امریکا به زودی به ایران اعلام خواهد کرد، «در» همچنان برای رابطه بهتر با جامعه بین‌الملل باز است، اگر آنها نشان دهند که رویه آنها در برنامه اتمی‌شان صلح‌آمیز است.»

به گزارش این خبرگزاری، موضوع ایران یکی از موضوعاتی است که اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل به آن خواهد پرداخت.

«بن رادس» مشاور امنیتی کاخ سفید در زمینه محتوای سخنرانی مد نظر اوباما گفت: «در همچنان برای داشتن یک رابطه بهتر با ایالات متحده امریکا و جامعه جهانی باز است. اگر ایران می‌خواهد با قدرت از این در رد شود باید آن را نشان دهد.» این مقام کاخ سفید در ادامه مدعی شد: این مساله مستلزم آن است که ایران رویه صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود را اثبات کند؛ مساله‌ای که ایران بارها بر آن تاکید کرده است.

با کمی کنکاش می‌توان نام و تبار کسانی را که به شدت با سیاست‌هایی که اوباما در زمان رقابت‌های انتخاباتی خود در مورد سیاست خارجی مورد نظرش مطرح کرد، یافت و همچنین می‌توان دلیل متفاوت بودن اوبامای امروز با اوبامایی که حتی رئیس‌جمهوری ایران از رسیدن وی به قدرت در کاخ سفید خوشحال شده بود را جست.

زمانی اوباما در رقابت‌های انتخاباتی در مناظره با هیلاری کلینتون- رقیبی که از حزب خودش بود- این جمله را شنید: «آقای اوباما شرم بر تو باد، شرم بر تو باد.» این جمله را زمانی هیلاری کلینتون با اشاره به سیاست گفت‌وگوی اوباما مطرح کرده بود؛ اینکه باراک حسین گفته بود حاضر است با تمامی دشمنان امریکا از جمله رئیس‌جمهوری ایران و حتی رهبران حماس مذاکره کند.

زمانی بود که مشاوران سیاست خارجی اوباما را اکثراً کسانی که آرمانگرا و به قول خود امریکایی‌ها «چپ»های دولت بیل کلینتون بودند تشکیل می‌دادند و بخشی دیگر نیز از همراهان وی در ایالت ایلینویز بودند؛ تیمی از متخصصان آرمانگرا و البته عملگرا که می‌دانستند گفت‌وگو با تهران، کلید باز کردن قفل بسیاری از مشکلات امریکا در خاورمیانه است؛ از لبنان و فلسطین گرفته تا عراق و افغانستان. در آن زمان استخوان‌بندی تیم سیاست خارجی اوباما را کسانی همچون سوزان رایس، آنتونی لیک و جرج کریگ تشکیل می‌دادند. در این میان پس از آنکه اوباما وارد بازی اصلی در کاخ سفید شد و بازی قدرت را درک کرد، فهمید سیستم قدرت در واشنگتن این اجازه را به او نخواهد داد که نزدیکان وی پست‌های حساس وزارت خارجه را در دست بگیرند و نه در پشت صحنه از طراحان سیاست خارجی این کشور در زمان زمامداری وی بر اریکه قدرت امریکا باشند.

و این‌گونه شد که کسانی همچون هیلاری کلینتون، کسی که سیاست خارجی وی را مایه شرم می‌دانست و از جنگ عراق حمایت کرده بود، وزیر امور خارجه وی شد. «رهم امانویل» تندرو که تابعیت دوگانه اسرائیلی نیز دارد و حتی به عنوان سرباز در ارتش اسرائیل جنگیده است به عنوان رئیس دفتر وی انتخاب شد. دنیس راس تندرو نیز مسوول و نماینده ویژه وی در امور ایران شد. جرج میچل که همواره به شدت هوای اسرائیلی‌ها را داشته است، نماینده اوباما در امور خاورمیانه شد. در این میان تنها سوزان رایس بود که شغلی دست‌چندم پیدا کرد و نماینده امریکا در سازمان ملل شد و کسانی همچون استوارت لیو نئوکان و رابرت گیتس جمهوریخواه نیز در مشاغل خود ابقا شدند. یکی از نزدیکان اوباما درباره تغییر رنگ اوباما در زمینه سیاست خارجی خود در همان روزهای ابتدایی پیروزی اوباما در انتخابات گفت: «اوباما قصد ندارد اشتباه بیل کلینتون و جان اف‌کندی را تکرار کند. تیم مشاوران این دو همانند تیم مشاوران اوباما در زمان کارزار انتخاباتی نیست. سرنوشت این دو تیم در مقابله با سیستم قدرت در واشنگتن نافرجام بود. جان اف‌کندی قربانی شد و از بازی قدرت کنار رفت. بیل کلینتون هم حریف جمهوریخواهان تندرو زمان خود همچون گینگریچ که ریاست کنگره امریکا را در دست داشت، نشد و بعد از دو سال، تیم مشاوران خود را کاملاً عوض کرد که البته این تعویض نیز با خودکشی یکی از مشاوران نزدیک وی در زمینه اقتصادی همراه بود؛ مشاوری که تاب فشارهای رسانه‌ای جمهوریخواهان را نداشت. بیل کلینتون بعد از دوره اول برخی از وزرای خود از جمله وزیر امور خارجه‌اش را عوض کرد.» اوباما به گفته این مقام نزدیک خود اشتباهات کلینتون و کندی را تکرار نکرد و رویای «تغییر» را نیز به خاک سپرد. در این میان رسانه‌هایی همچون فاکس‌نیوز، وال‌استریت‌ژورنال و یواس‌ای‌تودی نیز نقش بسزایی داشته‌اند که اگر وی قدمی برخلاف میل آنها بردارد، او را مورد حمله بمباران رسانه‌ای قرار دهند. جنبش تازه متولدشده «تی‌پارتی» نیز به رهبری گلن بک و سارا پیلن نیز به تازگی بلای جان اوباما شده است؛ جنبشی که نئوکان‌ها در مقایسه با آنها بسیار محتاط و میانه‌رو به حساب می‌آیند. این جنبش چندی پیش راهپیمایی چند ده‌هزار نفری را در واشنگتن در مخالفت با اوباما به راه انداخت.

این‌گونه شد که اوباما پیش از نشستن بر صندلی قرمزرنگ اتاق «اوال»، سیاست تغییر خود را تغییر داده بود و مشاوران و مقامات سیاست خارجی وی نیز سیاست خارجی وی را به مسیری برده‌اند که این روزها همه شاهدند.

از طرف شورای فرهنگ عمومی

روز گفت‌وگوی تمدن‌ها از تقویم حذف شد

گروه سیاسی: بر اساس تصمیم شورای فرهنگ عمومی، روزهای مبارزه با استعمار انگلستان، بصیرت و میثاق امت با ولایت، بسیج اساتید و مقاومت و پایداری به تقویم ملی کشور اضافه و روزهای اسناد ملی، گل و گیاه و گفت‌وگوی تمدن‌ها از تقویم سال ۱۳۹۰ حذف می‌شوند. روز گفت‌وگوی تمدن‌ها که تا دیروز تقویم‌های روی دیوارهای ایرانی‌ها همچنان آن را به خود می‌دیدند بنا به گفته منصور واعظی دبیر شورای فرهنگ عمومی به این دلیل حذف شده است که: «روز گفت‌وگوی تمدن‌ها با توجه به مسائل سیاسی خاصی نامگذاری شد اما چون اکنون متولی خاصی ندارد از تقویم حذف خواهد شد.»

زمانی حدود دو دهه پیش ساموئل هانتینگتون نظریه‌پرداز معروف امریکایی نظریه‌ای ارائه داد و نام آن را نظریه برخورد تمدن‌ها گذاشت؛ نظریه‌ای که سر و صدای فراوانی در دنیا به راه انداخت. بسیاری از ژورنالیست‌ها و نظرپردازان دیگر مانند فرید زکریا، نوام چامسکی و حتی سیاستمدارانی مانند برژینسکی و... درباره آن به بحث و مباحثه پرداختند. ساموئل هانتینگتون در نظریه خود با تاکید بر مسائلی همچون اختلاف اساسی تمدن‌های مختلف جهان، افزایش روزافزون خودآگاهی تمدن‌ها، تجدید حیات در حال رشد مذهبی، رفتار دوگانه غرب با کشورهای جنوب، منطقه‌گرایی اقتصادی و نقش مشترکات فرهنگی منطقه‌ای و... اعلام کرد آینده محتوم بشریت جنگ بین مناطق جنوب و شمال و مسلمانان و غرب است. در همان حوالی زمانی، کمی بعدتر، تندروها از هر کیش و قبیله‌ای گوشه‌ای از جهان را در دست گرفته بودند یا چند سالی در دست گرفتند؛ گروه تروریستی القاعده سومالی، عربستان، افغانستان و پاکستان را زیر اریکه داشت، نئوکان‌های امریکا در کنگره امریکا جان گرفته بودند و داشتند قدرت را در امریکا قبضه می‌کردند، لوپن که معتقد بود تمام غیرفرانسوی‌ها را باید از فرانسه بیرون انداخت تا یک قدمی کاخ الیزه رفت، تونی بلر که نسخه اروپایی نئوکان‌های امریکا بود در انگلیس به قدرت رسیده بود و در اسرائیل کسی که به قصاب صبرا و شتیلا معروف بود قدرت را در دست داشت. در این اوضاع بود که رئیس‌جمهوری وقت ایران به نمایندگی از جمهوری اسلامی ایران و ۶۵ میلیون ایرانی با حضور در سازمان ملل متحد، نظریه‌ای همراه خود به نیویورک برد؛ نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها. نظریه‌ای که در واکنش به نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون ساخته و پرداخته شده بود. این نظریه و اعلام آن توسط نماینده ایران با چنان استقبالی از سوی کشورها و رسانه‌های دنیا مواجه شد که کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل سال ۲۰۰۱ را به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها نامگذاری کرد و روز سی‌ام شهریورماه نیز به عنوان روز گفت‌وگوی تمدن‌ها در تقویم‌های ایران نام گرفت. تا دیروز که در روز «گفت‌وگوی تمدن‌ها» این روز از تقویم‌های سال بعد حذف شد. نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها که از سوی ایران در سازمان ملل مطرح شد همه‌ساله توسط اصلاح‌طلبان و فعالان صلح در سطح جهان گرامی داشته می‌شود. رومانو پرودی، کوفی عنان، بندویک و مری رابینسون از جمله سیاستمداران سرشناس در سطح جهان هستند که نظریه گفت‌وگوی تمدن‌ها را در قالب نهادهایی که در اختیار دارند، در سطح جهان پیگیری می‌کنند. اگرچه تاکنون یک همایش دین در دنیای معاصر در ایران برگزار شده اما همه‌ساله همایش‌ها و کنفرانس‌هایی با موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها، گفت‌وگوی ادیان و گفت‌وگوی اسلام و غرب در کشورهای مختلف دنیا برگزار می‌شود. منصور واعظی دبیر شورای فرهنگ عمومی لیست مناسبت‌هایی را که قرار است در متن تقویم منتشر شود، اعلام کرد: روز مبارزه با استعمار انگلستان. وی در مورد نامگذاری این روز توضیح داد: «رئیسعلی دلواری در مواجهه با نیروهای متخاصم انگلیسی نبرد کرد و به شهادت رسید. با همه شیطنت‌ها و خباثت‌هایی که انگلستان نسبت به ایران انجام داده است، در تقویم مناسبتی برای رویکرد انگلستان موجود نبود، بنابراین ۱۲ شهریور که مصادف با ۱۲ شهریور ۱۲۹۴ است به عنوان سالروز شهادت رئیسعلی دلواری در نظر گرفته خواهد شد.» ۲۹ دی‌ماه به عنوان روز غزه. نهم دی‌ماه تحت عنوان روز بصیرت و میثاق امت با ولایت. وی در مورد نامگذاری این روز نیز توضیح داد: «به مناسبت ایستادن مردم در برابر جریان نفاقی که پس از انتخابات سال گذشته شکل گرفته است، این روز با این نام نامیده شد.» ۳۱ خرداد مصادف با سالروز شهادت دکتر چمران به نام روز بسیج اساتید و ۲۱ فروردین مصادف با سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی تحت عنوان روز هنر انقلاب اسلامی.

چهارم خرداد به نام روز مقاومت و پایداری. این روز همچنین روز دزفول خواهد بود به دلیل نقش برجسته مردم دزفول در جنگ تحمیلی. دبیر شورای فرهنگ عمومی ۱۰ مناسبت را که در زمینه تقویم ۱۳۹۰ هجری شمسی درج خواهد شد نیز به شرح زیر اعلام کرد: پنجم خرداد روز نسیم مهر به بهانه حمایت از خانواده‌های زندانیان. چهارم ربیع‌الثانی سالروز ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی(ع). ۳۱ مرداد روز صنعت دفاعی و به درخواست وزارت دفاع. ۱۷ شوال روز نبرد علی امیرالمومنین(ع) با عمربن عبدود در جنگ خندق با نام روز فرهنگ پهلوانی و ورزش زورخانه‌ای (این روز به درخواست سازمان تربیت بدنی درنظر گرفته شده است). سوم صفر مصادف با روایتی که درباره ولادت امام محمدباقر(ع) وجود دارد. ۱۰ تیر به مناسبت روز آزادسازی شهر مهران و به درخواست استانداری ایلام. سوم دی به نام روز ثبت‌احوال به مناسبت اولین شناسنامه‌ای که در کشور ما به نام خانم فاطمه ایرانی صادر شده است. نیمه شعبان مصادف با سالروز تولد حضرت